



Investigating and analyzing the writing style and moral issues in Tārikh- 'i-Jahāngushā

Reza Refaee Ghadimi Mashhad^{1*} | Saeed Bozorg Bigdeli²

1. Ph.D. of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: reza.refaee@modares.ac.ir

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: bozorghs@modares.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 22 May 2023

Accepted: 21 Jun 2023

Keywords:

Moral/Didactic literature,
didactic prose,
moral content,
Atā Malik Juvayni,
Tārikh- 'i-Jahāngushā.

ABSTRACT

In addition to being one of the most important mongol historical works, Tārikh- 'i-Jahāngushā is also a literary masterpiece of Persian literature. In the present study, the moral and didactic aspects of Tārikh- 'i-Jahāngushā are considered and specified. The major argument of this study is that in addition to Tārikh- 'i-Jahāngushā's historical values, it is a tour de force regarding the promulgation of moral and didactic issues. To prove this argument, the researchers have categorized historical issues into positive and negative. In addition, they have scrutinized different kinds of expressing moral issues by Juvayni. The results of this study indicate that Juvayni in the position of an instructor of morality had been more inclined to encourage people to righteous moral deeds, and warning people against negative deeds has had a lower position in his moral thought. Additionally, it seems that the diversity of moral issue expression methods indicates the importance of didacticism and morality in his ideological system.

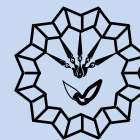
Cite this article: Refaee Ghadimi Mashhad, R., Bozorg Bigdeli, S. (2023). Investigating and analyzing the writing style and moral issues in Tārikh- 'i-Jahāngushā. *Research of Literary Texts in Iraqi Career*, 4 (2), 13-30.



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/LTIP.2023.8962.1150>

Publisher: Razi University



بررسی و نقد شیوه نگارش و محتوای اخلاقی تاریخ جهانگشای جوینی

رضا رفایی قدیمی مشهد^{۱*} | سعید بزرگ بیگدلی^۲

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: reza.refaee@modares.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: bozorghs@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تاریخ جهانگشای جوینی، علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی دوره مغول به‌شمار می‌آید، از جنبه ادبی نیز یکی از شاهکارهای ادبیات پارسی است. در این پژوهش، جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگونی اخلاقی کتاب تاریخ جهانگشا تحلیل و بررسی شده است. مدعای اصلی پژوهش حاضر این است که تاریخ جهانگشا علاوه بر ارزش‌های تاریخی، از جهت اشاعه مسائل اخلاقی و تعلیمی نیز یک اثر برجسته در عصر مغول، دوره‌ای دشوار برای فرهنگ ایرانی، به‌شمار می‌آید. به‌منظور بررسی این مدعا، مسائل اخلاقی تاریخ جهانگشا در دو نوع ایجابی و سلبی دسته‌بندی و در ادامه، انواع شیوه‌های بیان عظاملک جوینی در مسائل اخلاقی واکاوی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جوینی در مقام یک منتقد اخلاقی و مروج اخلاق در عصر مغول، با شیوه‌ای خلاقانه بیشتر متمایل به ترغیب افراد به امور نیک اخلاقی و اجتماعی بوده و به دلایلی همچون تلاش برای حفظ فرهنگ ایرانی، بیم از گزند مغولان در صورت نفی اعمال ایشان و ایدئولوژی ویژه او در باب اهمیت خوش‌بینی و امید، نهی از امور منفی، جایگاهی پایین‌تر در اندیشه او داشته است. همچنین به‌نظر می‌رسد تعدد روش‌های نویسنده در بیان مسائل اخلاقی حاکی از اهمیت تعلیم و اخلاق در نظام اندیشگانی او باشد.
تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱	
واژه‌های کلیدی: ادبیات تعلیمی، نثر تعلیمی، محتوای اخلاقی، عظاملک جوینی، تاریخ جهانگشا.	
استناد: رفایی قدیمی مشهد، رضا؛ بزرگ بیگدلی، سعید (۱۴۰۲). بررسی و نقد شیوه نگارش و محتوای اخلاقی تاریخ جهانگشای جوینی. پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی، ۴ (۲)، ۳۰-۱۳.	
ناشر: دانشگاه رازی	DOI: https://doi.org/10.22126/LTIP.2023.8962.1150



۱. مقدمه

از نظر شکلی و محتوایی، می‌توان آثار ادبی را در قالب‌هایی گوناگون دسته‌بندی کرد. یکی از مهم‌ترین انواع محتوایی ادبی، نوع اخلاقی و تعلیمی است که گستره‌ای عظیم از گنجینه ادب پارسی را در بر می‌گیرد. با گسترش دانش نقد ادبی، توجه به جنبه‌های ایدئولوژیک آثار ادبی به مثابه یکی از بایسته‌ها و ضروریات مطالعات تخصصی متون ادبی تلقی می‌شود. یکی از روش‌ها و رویکردهای نقد متون، نقد اخلاقی است. در نقد اخلاقی اساس کار منتقد بر این است که آیا اثر ادبی و هنری خلق شده، وسیله اخلاق و تربیت انسانی هست یا خیر، و در صورت مثبت بودن پاسخ، کیفیت نمود مسائل اخلاقی به چه میزان است^(۱). آنچه در این پژوهش دستمایه نقد اخلاقی قرار می‌گیرد، محتوا و شیوه نگارش یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین آثار تاریخی-ادبی ایران عصر مغول، یعنی تاریخ جهانگشای جوینی است. تحلیل محتوای اخلاقی تاریخ جهانگشا از جنبه‌های چندگانه‌ای حایز اهمیت و شایسته بررسی است: اولاً این اثر به دلیل شیوه نگارش آن، یعنی تاریخ‌نگاری مستقیم و بی‌واسطه حاصل مشاهدات مؤلف/تاریخ‌نگار، یکی از مهم‌ترین و متقن‌ترین کتب تاریخی ایران به شمار می‌آید و از این حیث هم‌پایه اثری همچون تاریخ بیهقی قرار می‌گیرد؛ ثانیاً نویسنده این اثر یعنی عطاملک جوینی یکی از اندیشمندان و فرهیختگان ایرانی برجسته قرن هفتم بوده است که با حضور در دستگاه سیاسی مغولان، به صورت مستقیم در احیای فرهنگ ایرانی و جلوگیری از نابودی میراث فرهنگی-اخلاقی جامعه مظلوم ایران در سده هفتم کوشیده است. وانگهی، شیوه نگارش او در این کتاب، شیوه‌ای ادبی و استوار است که در جای جای آن از اشعار، مثل‌ها و عبارات ادبی مشهور استفاده کرده است. از این روی، تاریخ جهانگشا را در بسیاری از مواضع، می‌توان در ساحت یک گنجینه ادبی سرشار از مباحث اخلاقی-تعلیمی تلقی کرد.

۱-۱. مسأله پژوهش

در این پژوهش کوشش بر آن است که به سه پرسش اساسی در باب تاریخ جهانگشا و مسائل اخلاقی-تعلیمی پاسخ داده شود:

- چه مسائل اخلاقی و تعلیمی مطرح در تاریخ جهانگشا مورد توجه جوینی قرار گرفته است؟
- مسائل اخلاقی و تعلیمی مطرح در تاریخ جهانگشا در چه ساحت‌هایی قابل دسته‌بندی است؟
- جوینی در تاریخ جهانگشا با چه رویکردهایی مسائل اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی را تبیین کرده است؟

۱-۲. روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد متن‌گراست که با واکاوی متن تاریخ جهانگشا در پی آن است که به پرسش‌های مطرح شده در بخش پیشین پاسخ دهد. به این منظور، بایدها و نبایدهای اخلاقی مورد نظر جوینی تبیین و سپس، انواع روش‌های بیان مسائل اخلاقی در این کتاب واکاوی خواهد شد. به این ترتیب، منبع اصلی مورد استناد در پژوهش حاضر، متن کتاب تاریخ جهانگشا است. منابع این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی درباره جنبه‌های گوناگون ایدئولوژیک تاریخ جهانگشا و جهان‌بینی عطاملک

جوینی همچون سیاست، تقدیرگرایی و... صورت پذیرفته که اگرچه به صورت مستقیم با پژوهش حاضر مرتبط نیستند؛ می توان هریک را به مثابه پیشینه گونه ای برای پژوهش حاضر تلقی کرد:

سلیمانی (۱۳۹۲) به نقش مثل های قرآنی در آموزه های اخلاقی تاریخ جهانگشا پرداخته است و انواع شیوه های بهره گیری از امثال قرآنی در این کتاب را تبیین کرده است.

شرفی (۱۳۹۲) نمود اندیشه مشیت الهی را در دو ساحت محتوا و شیوه تاریخ نگاری تاریخ جهانگشا تحلیل کرده است و به این نتیجه رسیده است که اعتقادات عمیق شریعتمدارانه جوینی در مسأله مشیت الهی و شرایط نامطلوب سیاسی اجتماعی حاکم بر زمانه وی، سبب نوعی نگاه مشیتی از سوی او به تاریخ شده است؛ بدین جهت، او در روش تاریخ نگاری خویش، به رغم به کارگیری دیدگاه های انتقادی (در برخی رویدادها) و گاه انصاف تاریخی، از اصل تعلیل و تحلیل بهره چندانی نبرده است (شرفی، ۱۳۹۲: ۶۹). نگارندگان پژوهش حاضر، نتایج این پژوهش را از حیث تبیین نگاه جبرگرایانه جوینی مورد قبول و از حیث مدعا درباره عدم انصاف تاریخی و عدم نگاه انتقادی عظاملک جوینی، مردود می دانند. درواقع ما در پژوهش حاضر این مدعا را تقویت کرده ایم که جوینی با شیوه خاص بیان خود، در مقام یک مصلح و منتقد اجتماعی منصف ظاهر شده است.

صادقی (۱۳۹۵) ایدئولوژی جوینی در باب سیاست را در دو ساحت هم زمانی و در زمانی بررسی کرده است. نگارنده در این مقاله به این نتیجه رسیده است که در نگاه جوینی، چنگیز و مغولان نماینده خدا در زمین هستند و رفتار آنان نیز همان ادامه روش پیامبر است و با دستور خداوند انجام می گیرد. او عملکرد چنگیز را تجسم بخش سخنان پیامبر مبنی بر انتقام خداوند از قوم گناهکار فارس می داند و تاریخ خود را با همان رویکرد و تعبیر و دیدگاه های مورخان پیش از مغول نوشته و بر آن است که پادشاهان (مانند گذشته) باید تمام تلاش خود را در سرکوبی بددینان و بدمذهبان از قبیل قرمطیان و باطنیان و اسماعیلیان و زنادقه به کار گیرند (صادقی، ۱۳۹۵: ۳۳). نتایج این مقاله تا حد زیادی، پیشینه ای برای مباحث اخلاقی در باب دینداری در پژوهش حاضر است.

چهری و همکاران (۱۳۹۹) با بهره گیری از نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف کوشیده اند به این پرسش پاسخ دهند که چرا تاریخ جهانگشا به مثابه یک متن تاریخی در بسیاری از مواضع به متنی ادبی تشبه یافته است؟ نگارندگان به این نتیجه رسیده اند که نشانه هایی از جنس واژگان، استعاره ها، عبارات و جملات و اشعار فارسی و عربی گفتمان محور در این کتاب وجود دارد که همگی بازتابنده گفتمان متناقض مورخ درباره مغولان هستند. گفتمان مورخ در این کتاب ایدئولوژیک است و ریشه در روح زمانه مؤلف دارد؛ تقدیرگرایی و جبرانگاری، محافظه کاری و ترس، رستن از عواقب احتمالی، تداوم سنت فرهنگی، تسلی خاطر و... همگی از ارکان شکل دهنده این گفتمان هستند. نتایج این پژوهش نیز پیش فرض مسلم نگارندگان در پژوهش حاضر تلقی می شود.

۱-۴. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

پژوهش حاضر، ابعاد تازه ای از کتاب تاریخ جهانگشا را بررسی و واکاوی می کند. دوره مغول، دوره ای است که علاوه بر مرز و بوم، فرهنگ و هویت ایرانی نیز در معرض هجوم قرار گرفت و به همین دلیل، بازتاب مسائل اخلاقی در کتاب تاریخ جهانگشا، به مثابه یک منبع تاریخی، بسیار مهم و قابل توجه است. در این پژوهش، نشان خواهیم داد که عظاملک جوینی، مورخ وطن دوست، در یک برهه دشوار تاریخی و فرهنگی، چگونه و با چه کیفیتی از

کارکردهای ادبیات اخلاقی و تعلیمی در اثرش سود جسته است.

۲. بحث

بنابر تعریف، ادبیات تعلیمی «ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). در این نوع ادبی واژه اخلاق، کلیدواژه است. اخلاق در لغت «جمع خلق به معنی خوی، طبع، مروت و دین» (لغت‌نامه، ۱۳۵۲: ۱۵۲۶) است و در اصطلاح فنی «علمی است بآنکه نفس انسانی چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که بارآده او از او صادر شود جمیل و محمود بود. پس موضوع این علم نفس انسانی بود از آن جهت که از او افعال جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۱: ۱۴ و ۱۵).

ادبیات تعلیمی و اخلاقی در زبان پارسی گستره‌ای عظیم دارد و آثاری پُرشمار در این حوزه نگاشته شده است. شاید صبغه فرهنگی جامعه ایرانی-اسلامی یکی از مهم‌ترین عواملی باشد که سبب شده است، آثار منظوم و منثور اخلاقی و تعلیمی بخشی مهم از میراث ادبی زبان پارسی را در بر گیرند. در این میان، آثار منثور، جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. نثر تعلیمی «عبارت است از نثر راست، آموزنده و هدفدار که شامل معارف اسلامی و انسانی از قبیل فلسفه، علوم، نقد، اخلاق، تربیت و... است» (رستگار فسایی، ۱۳۹۰: ۲۷۳).

۲-۱. تاریخ جهانگشا و ادبیات تعلیمی

علاءالدین عطاالملک بن بهاءالدین محمد (۶۲۳-۶۸۱ ق) معروف به صاحب‌دیوان و صاحب‌قران، از دولت‌مردان و تاریخ‌نگاران اوایل عهد مغول بوده است. معروف‌ترین اثر او^(۲) کتاب گران‌قدر تاریخ جهانگشاست که یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی آن دوره به‌شمار می‌آید.

کتاب تاریخ جهانگشا یکی از مهم‌ترین آثار منثور کلاسیک پارسی است که علاوه بر اشتغال بر مسائل تاریخی عهد مغول، از حیث اشارات ادبی، اخلاقی و تعلیمی نیز بسیار غنی است. این کتاب از جهت ذکر مسائل اخلاقی، پیرو تاریخ بیتهمی است و از حیث تاریخی-تعلیمی بودن، به آن شبیه است. دو نکته مهم در این باب، تاریخ جهانگشا را از تاریخ بیتهمی و سایر آثار تاریخی متمایز می‌سازد: مورد اول، سبک مصنوع و هنرمندانه جویی در نگارش این کتاب است. از حیث تکلف و دشواری سبک، شاید بتوان جویی را یک استثنا دانست (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۵۱). سبک نگارش این اثر، سبک مصنوع است. در این نوع نثر «نویسنده با لفاظی عباراتی مصنوع می‌نگارد و علاوه بر استفاده از سجع و به‌کاربردن اشعار و شواهد عربی و فارسی و آیات قرآنی و احادیث و اصطلاحات علمی و لغات مهجور و استعارات و تشبیهات مختلف، کلام خود را به شیوه‌ای مصنوع با پیرایه‌ها و ظرایف ادبی و صنایع لفظی می‌آراید» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۵۵). مورد دوم، زمان نگارش این کتاب است. این اثر در اوج حمله مغول و ویرانی مادی و اخلاقی ایران نگاشته شده است.

ابن اثیر در الکامل فی التاریخ در مورد نتایج حمله مغول می‌نویسد: «مصیبتی بزرگ است که گشت روزگار هنوز مثل آن نیاورده و آتش آن دامن خلاق را عموماً و مسلمانان را خصوصاً گرفته است. اگر کسی بگوید که از بدو آفرینش آدم تا کنون، جهان به نظیر چنین حادثه‌ای گرفتار نیامده راه خلاف نرفته است... آتش این حادثه دامن جهان گرفت» (ابن اثیر، به نقل از اقبال، ۱۳۶۴: ۱۰۰). در این شرایط اسفناک «می‌توان پذیرفت که مغولان هیچ خدمتی به

تکامل آزادی و آگاهی انسانی نکرده‌اند و ایلغار آنان نتیجه‌ای جز تباهی و ویرانی نداشته است» (دستغیب، ۱۳۶۷: ۳۹). در چنین شرایطی، جوینی در کتاب ارزشمند خویش بارها از اخلاق و ارزش‌های انسانی سخن گفته است. بهار در این باره می‌نویسد: «جای‌بجای مسائل فلسفی و اصول صحیح اجتماعی در علل حقیقی شکست خوارزمیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حادثه تاتار و علت‌های واقعی دیگر در پیشرفت کار جنگیز و اتباع او آورده است که در عالم خود منحصر به فرد می‌باشد» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۵۲).

در تبیین نظام فکری جوینی باید به این نکته توجه داشت که او تحت تأثیر عقاید اشعری قرار داشته و به جبر معتقد بوده است. درواقع، نمود اعتقادات اشاعره را می‌توان در بخش اعظم میراث کهن ادبی پارسی مشاهده کرد و تأثیر فلک و روزگار بر زندگی و سرنوشت آدمیان، یکی از مسائل شاخص مطرح در متون ادبی کلاسیک است^(۳). در ادامه به نمونه‌هایی از این اعتقاد در کلام جوینی اشاره می‌گردد:

«به سبب تغییر روزگار و تأثیر فلک دوار و گردش گردون‌دو و اختلاف عالم بوقلمون مدارس درس مندرس و معالم علم منظمس گشته» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۳). و در نتیجه آن: «هریک از ابناء السوق در زی اهل فسوق امیری گشته و هر مزدوری دستوری و هر مزوری وزیری» (همان: ۱۱۴).

«همای اقبال چون آشیانه کسی را مأوا خواهد ساخت و صدای ادبار آستانه دیگری را ملازمت نمود، اگرچه میان ایشان درجات نیک متفاوت است: آن یکی در اوج دولت و دیگری در حضيض مذلت، اما مقبل را قلت آلت و ضعف حالت از ادراک به مقصود مانع نیست... و مدبر را کثرت عدت و فرط اهبت از امساک موجود نافع نه» (همان: ۱۲۵).

«در ذکر احوال تیمور ملک می‌نویسد: «حب وطن و خانه او را به رجعت باعث گشت بلک قضای آسمانی محرض» (همان: ۱۷۹).

«چنگیز خان به نفس خویش بدان بلاد رسید و تیار بلا از لشکر تاتار در موج بود و هنوز از انتقام سینه را تشفی نداده بود و از خون جیحون نرانده چنانکه در جریده قضا قلم قدر مثبت کرده بود» (همان: ۱۸۰).

«صاحب نظران کجایند تا به بصر تفکر و اعتبار در حرکات این روزگار پر زرق و شعوزه و جفای این گردنده گردون بیهوده نگرند تا بدانند که نسیم او با سموم نه موازی است و نفع او نه با ضرر محاذی، خمر او یک‌ساعته و خمار او جاودان، ریح او ریح است و گنج او رنج» (همان: ۲۰۱).

«از تأثیر افلاک بر مرکز خاک اموری حادث می‌گردد که اگر در خیال جبال، یک نفس نقش آن تصور گیرد اجزای آن ابدالدهر منزل و اوصال آن منحل گردد» (همان: ۲۳۶).

«تقدیر آسمانی با بخت سلطانی مطابق [بود]. از جانبین مصاف دادند و مصادمت نمود و قادر بوقو منهزم شد» (ج ۲: ۳۸۹).

«چون دولت به جانب سلطان مقبل بود با عدم جد و اجتهاد ساعت به ساعت از پرده غیب امور خطیر چهره می‌گشاد» (ج ۲: ۴۱۸).

در اندیشه جوینی، جایگاه مسائل اخلاقی به حدی است که او گاهی مسائل تاریخی را منتج از مسائل اخلاقی برمی‌شمارد. برای مثال، عامل شکست خوارزمشاه را خوی بد او می‌داند: «سلطان سعید را از فظاظت خوی و درشتی عادت و خیم وخامت حاصل آمد و عاقبت اعقاب را مرارت عقاب آن بایست چشید و اخلاف را مرارت خلاف کشید» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۹). یا در جایی دیگر آرزومندی، تمایلات نفسانی و غرور در ارسال لشکر به مرو را در

شکست خوارزمشاهیان مؤثر بر می‌شمارد: «نقش‌بندان و ساوس شیاطین امانی نقوش تخیلات بی‌طایل شیطانی و تصاویر محالات بی‌حاصل نفسانی بر صحیفه دماغ هر یک نیرنگ زد و مشاطگان غرور انسانی عروسان حرص و شره را بوی و رنگ داد تا لشکری در مقدمه به مرو روان کردند» (همان، ج ۲: ۳۹۵).

۲-۲. نمود مسائل اخلاقی در تاریخ جهانگشا

مسائل تعلیمی و اخلاقی مطرح شده در تاریخ جهانگشا در یک دسته‌بندی کلی و جامع به دو نوع ایجابی و سلبی قابل تقسیم هستند. در ادامه نمود این مسائل بررسی و تبیین خواهد شد:

۲-۲-۱. مسائل اخلاقی ایجابی

بسامد مسائل اخلاقی که جوینی به آن‌ها پایبند بوده و مخاطبانش را به آن ترغیب کرده است، متعدد است. به نظر می‌رسد جوینی در مقام یک معلم اجتماعی و اخلاقی، التزام به امور مثبت اخلاقی را سرلوحه کار قرار داده بوده و بدین ترتیب، در اندیشه او جامعه آرمانی با ترغیب افراد به امور نیک تحقق می‌یابد. جوینی، در عین آرمان‌گرایی به واقعیت‌های اجتماعی ملموس و تأثیر آن در رشد و تعالی یا انحراف و کاستی انسان‌ها آگاه است و در واقع، بخش عمده توصیه‌های اخلاقی او مرتبط با اجتماع است و از این نظر می‌توان او را نوعی مصلح اجتماعی نیز قلمداد کرد. شاید بتوان تاریخ جهانگشا را نوعی محرک اجتماعی در عصر مغول به حساب آورد. در این شرایط «سجایا و خصال اخلاقی هنرمند با اوضاع و احوال مادی وی معارضه می‌کند. شاعر و نویسنده، اوضاع مادی و اجتماعی خود را تحقیر و فراموش می‌کند و برخلاف ذوق و پسند جامعه سخن می‌گوید. با محیط خود مبارزه می‌کند و می‌کوشد آن را تغییر بدهد» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۲۱). در ادامه به مسائل اخلاقی ایجابی مطرح شده در تاریخ جهانگشا پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱-۱. دوراندیشی و احتیاط

در جامعه متزلزل عهد مغول، بی‌شک یکی از مهم‌ترین مسائل، لزوم دوراندیشی و احتیاط بوده است: «از روی عقل چنین اقتضا می‌کند و واجب می‌شود که اگر تهدید سیف که وعید عاجل است در توقف ماندی و به آجل موعود قناعت رفتی کارها اختلال پذیرفتی» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۲۲).

و نیز: «بر مرد هوشمند واجب و لازم است که اگر اندیشه‌ای روی نماید تتبع حزم و احتیاط فرونگذارد و کار دشمن هر چند ضعیف باشد خوار نشمرد تا اگر گمان‌برد او حقیقت شود از معرفت و غائله آن ایمن تواند بود و اگر اصلی نداشته باشد هیچ مضرت و مفسدت صورت نیندد» (همان، ج ۳: ۶۶۹).

۲-۲-۱-۲. میانه‌روی و تسامح

از نظر جوینی، انسان‌ها باید با اعتدال و میانه‌روی با مسائل مختلف برخورد کنند تا از افراط و تفریط مصون بمانند: «اگر صاحب‌نظری پاکیزه‌گوهری که منصف و مقتصد باشد در این معانی به چشم حقد و حسد - که مظهر و مبدی معایب است و منشی مساوی و مثالب، و تولد آن از نتیجه دناات همت و خساست طینت - ننگرد و به عین رضا و وفا که مقابح را در صورت زیبا بیند و پلاس، لباس دیبا پندارد نظر نکند، بلکه متوسط وار تأملی به شرط امانت و دیانت واجب دارد و خیرالامور اوسطها... و در این مقالات تفکری کند... غطای شک و ریبت و غشای ظن و شبهت از بصیرت او مرتفع شود» (همان، ج ۱: ۱۱۷ و ۱۱۸). چنانچه مشاهده می‌شود، او افراد میانه‌رو را با صفات والای

«پاکیزه گوهر» و «صاحب نظر» توصیف کرده است و این مسئله نشان از اهمیت بالای میانه روی در نظام اندیشگانی او دارد. جوینی حتی یکی از عوامل توفیق مغولان را تسامح و فراخ نظری ایشان در برابر ادیان مختلف برمی شمارد و تصریح می کند که با وجود عدم تقید مغولان به یک دین خاص -و حتی مبادرت بسیاری از ایشان بر بت پرستی- ایشان با پیروان ادیان مختلف با تسامح برخورد می کنند: «چون یاسا و آیین مغول آن است که هر کس ایل و مطیع ایشان شد از سطوت و معرت بآس ایشان ایمن و فارغ گشت و متعرض ادیان و ملل نیز نه اند» (همان: ۱۲۱). همچنین در توصیف چنگیز، یکی از دلایل موفقیت های او را تسامح دینی او می داند: «چون متقلد هیچ دین و تابع هیچ ملت نبود از تعصب و رجحان ملتی بر ملتی و تفضیل بعضی بر بعضی مجتنب بودست بلکه علما و زهاد هر طایفه را اکرام و اعزاز و تبجیل می کردست... و چنانکه مسلمانان را به نظر توقیر می نگریسته ترسایان و بت پرستان را نیز عزیز می داشته» (همان: ۱۲۹).

۲-۲-۳. دقت نظر و کسب تجربه

کسب تجربه از اتفاقات و جریانات روزگار و اجتماع، یکی از توصیه های مشترک تمامی متون تعلیمی است. جوینی در این باب می نویسد: «مرد موفق در هرچ نظر کند از ضمن آن فایده ای حاصل کند و از این حالت تجربه ای تمام بردارد و به صالحات اعمال گراید و هرچ موجبات نقصان و ماده خسران او خواهد بود در دنیا و دین تحرز و تصون از آن واجب داند تا در اولی نیک نام و در عقبی راست کام باشد» (همان، ج ۲: ۶۱۰).

۲-۲-۴. بیان مفاسد اخلاقی

اگرچه «باید دوره ایلخانان را از لحاظ سیاست داخلی دوره خیانت و دسیسه و توطئه و خونریزی نام نهاد» (مرتضوی، ۱۳۵۸: ۱۳۸)، با این وجود در اندیشه جوینی، لازم است که بی اخلاقی ها ذکر شود؛ چراکه بدون ذکر معایب اخلاقی، افراد به عواقب آن پی نبرده و امکان اصلاح فرد و جامعه وجود نخواهد داشت (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۹۲). او دو فایده برای بیان معایب اخلاقی برمی شمارد: «اول، چون در محافل و انجمن ها مثالب و مساوی سفیهی بازاراند، جماعتی که به پیرایه عقل مزین باشند و به حلیت سعادت آراسته، از امثال آن اعراض لازم دانند» (همان). «دوم آنکه معیوب مذکور اگر مستعد قبول انوار کرامات باشد از آن مقامات بی شک معرض شود و از ملامت لائمان منقبض، و از محل اعتراض، احتراز عین فرض شمرد و احراز کمالات سعادت را بر کلی امور مقدم داند تا از شین و عاری که ذکر آن بر چهره روزگار مخلد باشد مسلم ماند» (همان: ۵۹۲ و ۵۹۳).^(۴)

۲-۲-۵. وطن دوستی

جوینی یکی از وطن دوست ترین مورخان ایرانی بوده است. باید توجه داشت که او در دستگاه مغولان به فعالیت می پرداخته و از این رو نمی توانسته مستقیماً وطن دوستی خود را ابراز نماید. با این حال استشهاد به ایبات شاهنامه -که نمودار فرهنگ ایرانی است- در جای جای متن تاریخ جهانگشا به چشم می خورد^(۵) و این کتاب از نظر بیان مسائلی که به فرهنگ و هویت ایرانی مربوط است، در میان متون تاریخی عصر مغول سرآمد است. گزاره هایی که او در مدح خوارزمشاهیان به کار برده نیز نشان دهنده حس وطن دوستی اوست. جوینی در ذکر وفات سلطان محمد می نویسد: «از این واقعه اسلام دل شکسته و دست بسته شد و از این حادثه که از دیده سنگ خاره خون می چکانید دل های مؤمنان پریشان و خسته» (همان: ۴۶۰). در واقع، وی سلطان خوارزمشاه را با اوصافی که در مورد او ذکر می کند

در اندازه یک سلطان مسلمان با ویژگی‌های مناسب آن - چون شجاعت، مردم‌دوستی، دین‌پروری و نظایر آن - نمی‌بیند؛ ولی در عین حال در زمانه‌ای که اساس کشور و دین و آیین، در معرض هجوم و نابودی است، وجود سلطانی با ویژگی‌های خوارزمشاه را بهتر از تسلط دشمن و نابودی دین و کشور می‌داند.

۲-۲-۱. انسان‌دوستی

فجایع عصر مغول به حدی دردناک بوده که دل هر انسانی به‌جز مغولان - را به‌درد می‌آورده و «بغض‌های گره‌شده اجتماع گاه به‌صورت شکایت‌های دردانگیز منظوم یا منثور بر خامه شاعران و نویسندگان جاری شده» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۸۷). جوینی در ذکر رسیدن بهار سال ۶۱۸ به نوحه‌سرایی جوانان و کشتگان می‌پردازد. او پیش از ذکر رسیدن بهار، به ذکر فتح نقاط مختلف ایران به‌دست چنگیز و کشتارهای فجیع انسان‌ها می‌پردازد و درواقع، این توصیف تأثرانگیز بهار، نوعی مرثیه برای کشتگانی است که پیش از این از آن‌ها سخن گفته بود: «سبزه چون دل مغمومان از جای برخاست و هنگام اسحار بر اغصان اشجار، بلبلان بر موافقت فاختگان و قماری شیون و نوحه‌گری آغاز کردند و بر یاد جوانانی که هر بهار بر چهره انوار و ازهار در بساتین و متنزهات می‌کش و غمگسار بودندی سحاب از دیده‌ها اشک می‌بارید و می‌گفت باران است» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۳ و ۲۱۴).

۲-۲-۱. صداقت و شفافیت

بهار درباره صداقت جوینی می‌نویسد: «با آنکه در صدد مدح مخادیم خود بوده است، باز از ذکر حقایق تاریخی خودداری ننموده و هر جا که بوقایع عمده برخوردده است حاق مطلب را بقلم آورده و از ملق و مدهانه خودداری کرده است» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۵۲ و ۵۳).

جوینی در بیان اعتقادات مغولان و وابستگان آنها، با تأکید به این که اعتقادات ایشان مورد تأیید او نیست، می‌نویسد: «چون احوال ایشان ثبت شد شمه‌ای از آن چه در کتاب‌های ایشان مسطور است از معتقد و مذهب ایشان - اعجاب را و نه تصدیق را - نوشته شد» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۸).

۲-۲-۱. عدل و انصاف

عدالت یکی از محوری‌ترین نیازهای هر جامعه است که در کلام جوینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. او در تمجید منکوقاآن بارها او را با صفت عادل وصف کرده است. از جمله در این مورد: «آثار معدلتی که خلایق به تازگی به واسطه آن چون طفلان کلاً و اشجار به خاصیت گریه ابر بهار خنده‌زنان شوند انتعاشی گرفتند» (همان: ۱۱۲) و یا در ادامه همان وصف: «نفحات شمال شمایل انصاف شامل او اطراف عالم را معطر گردانیده» (همان).

۲-۲-۱. اعتقاد راسخ به قضای الهی و تشویق به توکل

لزوم توکل و اعتقاد به قضای الهی و رضایت به آن، یکی از مهم‌ترین اعتقادات اسلامی به‌شمار می‌آید: «صاحب مرتبه رضا پیوسته در لذت و بهجت و سرور و راحت است، زیرا تفاوتی نیست در نزد او میان فقر و غنا، راحت و عنا. و هیچ یک از اینها بر دیگری در نظر او ترجیح ندارد. و هیچ کدام بر دل او گران نیست، زیرا که همه را صادر از خدای تعالی می‌داند» (نراقی، ۱۳۹۳: ۶۵۱ و ۶۵۲). در نگاه جوینی نیز این مسئله بسیار مهم و ضروری است. در ادامه نمود این اعتقاد در تاریخ جهانگشا بیان خواهد شد:

- «هرچ از خیر و شر و نفع و ضرر در این عالم کون و فساد به ظهور می‌پیوندد به تقدیر حکیمی مختار منوط است و

به ارادت قادری کامگار مربوط» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۸).

«خواست حق تقدست اسماؤه آن بود که آن جماعت از خواب غفلت متیقظ شوند و از سکرته جهالت افاقتی یابند» (همان: ۱۲۳).

«از تقریر این حکایت، غلبه و قهر ایشان [مغولان] معلوم می شود بلکه قدرت و هُوَالْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ محقق و مقرر گردد» (همان: ۲۲۰).

«ای دوست! این کار به دست تدبیر نیست. انگشت فرا او مکن که گزند یابی، پای بر مرکز تفویض و توکل محکم دار که تا از پای نیفتی» (همان، ج ۲: ۵۴۴).

۲-۱-۱۰. آینده‌نگری و خوش‌بینی

به واسطهٔ بلای خانمان سوز مغول، قاعدتاً فضایی رخوت‌آمیز بر جامعه مستولی بوده است. «یورش مغولان نه تنها سازمان‌های سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی کشور را در هم ریخت، بلکه دیرپاترین و پایدارترین پیامدهای روحی-روانی را همچون میراثی شوم با خود به‌ارمغان آورد» (سلماسی‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۲۵). جوینی با وجود اعتقاد به تقدیرگرایی و جبر، در عین حال افراد را به خوش‌بینی و آینده‌نگری ترغیب می‌کند. بدون شک خصلت افراد بزرگ و تأثیرگذار هر جامعه این است که یک گام از اجتماع خود پیش باشند و افراد را به آینده‌ای روشن امید دهند. بدین ترتیب، جوینی نگاه به گذشته همراه با تأسف و خیال‌اندیشی -و نه برای کسب تجربه و عبرت- را مانع پیشرفت می‌داند و مخاطبانش را به امیدواری سوق می‌دهد: «ندامت و تلهف بر فوت ایام تحصیل مریح نیست چنانکه حسرت و تأسف بر اعوام تعطیل منجیح نه» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۶). چنان‌که در این عبارات مشاهده می‌شود، جوینی حسرت خوردن بر گذر زمان تحصیل و تعطیل و توسعاً مطلق زمان گذشته، را نامفید می‌داند و مخاطب را به زیست فکری مبتنی بر زمان حال و امید به آینده تشویق می‌کند.

۲-۱-۱۱. تواضع

تواضع یکی از صفات مثبت اخلاقی است که دین اسلام نیز همواره بر آن تأکید کرده است. به موجب آیه «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (قرآن کریم، سوره ۱۱۱: آیه ۳۷) (و در [روی] زمین به نخوت گام بردار! چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید). خداوند در قرآن انسان‌ها را به تواضع و فروتنی ملزم فرموده است. در ادب پارسی نیز شاعران و نویسندگان متعددی را می‌توان یافت که در شرایط مختلف، متواضعانه از مخاطبان خود پوزش خواسته‌اند. برای مثال، پیش از جوینی، بیهقی متواضعانه از خوانندگان اثرش برای اطناب احتمالی موجود در تاریخ بیهقی عذرخواهی کرده است: «اگر این کتاب دراز شود و خوانندگان را ملالت افزاید، طمع دارم به فضل ایشان که مرا از مبرمان نشمرند» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۰). جوینی نیز با عباراتی مشابه، متواضعانه از مخاطب برای سستی برخی مطالب پوزش خواسته است: از خداوندان فضل و افضال که عین‌الکمال از ساحت جلال ایشان دور باد و مبانی کرم و معالی به وجود ایشان معمور، سزد که بر رکاکت و قصور الفاظ و عبارت از راه کرم ذیل عفو و اقاله پوشانند» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۷).

۲-۱-۱۲. دین‌دوستی

اعتقاد و علاقه‌مندی جوینی به مبانی شریعت اسلام در بخش‌های گوناگون کتاب تاریخ جهانگشا نمایان است.

گزاره‌ها و عباراتی که جوینی در مدح دین و دین‌داران به کار برده دارای وجه عاطفی کاملاً مثبتی هستند و در مقابل، دشمنان دین اسلام در این کتاب با صفات منفی توصیف شده و مورد نفرت نویسنده بوده‌اند. علاقه جوینی به دین مبین اسلام تا آن جاست که از یک منظر متفاوت و نگاهی دوراندیشانه و تاریخی حتی مغول را عاملی برای گسترش دین اسلام برمی‌شمرد است: «تا بدان سبب لوای اسلام افراخته تر شود و شمع دین افروخته تر و آفتاب دین محمدی سایه بر دیاری افکند که بوی اسلام مشام ایشان را معطر نگردانیده بود و آواز تکبیر و اذان سمع ایشان را ذوق نداده» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۹).

جوینی در جایگاه یک صاحب‌نظر آگاه که با اندیشه و تدبیر، تهدید را به فرصت تبدیل می‌کند، با اینکه حمله خانمان برانداز مغول را تهدیدی عظیم برای دین و کشور می‌داند، در عین حال با نگاهی دوراندیشانه تهدید نابودی دین و جامعه ایرانی را به واسطه ذکر مسائل مختلف در باب دین و اخلاق، به فرصتی برای احیا و تقویت آن تبدیل می‌کند. در ادامه برخی دیگر از نمودهای باور عمیق و علاقه نویسنده نسبت به دین اسلام ذکر می‌گردد:

– «چون کوچک کاشغر و ختن را مستخلص کرد و از شرع عیسوی با شعار بت پرستی انتقال کرده بود اهالی آن را تکلیف کرد تا از کیش مطهر حنفی با کیش نجس گبر کی آیند» (همان: ۱۶۰).

– در ذکر ماجرای کوچک و عالم بزرگ دین علاءالدین محمد ختنی، عطا ملک با صفاتی کاملاً مثبت این شخصیت دینی را توصیف می‌کند: «از زمره آن طایفه شیخ موفق و امام بحق علاءالدین محمد الختنی نورالله قبره و کثر اجره برخاست و به نزدیک کوچک آمد و بنشست و کمر حق گویی بر میان بست» (همان: ۱۶۱). و در ذکر کشته شدن او می‌نویسد: «او مهمان خوان آیت عند ربی یطعمنی و یسقینی بود و این امام محمدی چون صالح در قوم ثمود و یعقوب [به] حزن مبتلا و به عذاب جرجیس ممتحن بود» (همان: ۱۶۲).

۲-۲-۱۳. سکون و بردباری

یکی از مسائل اخلاقی مورد توجه جوینی که مخاطبان خود را به آن تحریض کرده است، لزوم صبر و بردباری است: «نه همانا از جد و اجتهاد و محاربه و جلاد جز عنا و زیادت‌ی بلا فایده‌ای دهد. چه معلوم و محقق است که اضطراب در ربه خنق جز هلاکت نیفزاید و از مباشرت توهم و تخیل جز جنون نزاید» (جوینی، ج ۲: ۴۷۰).

۲-۲-۱۴. نظم و انضباط

جوینی نظم و انضباط مغولان را یکی از عوامل مهم موفقیت ایشان برمی‌شمارد: «اگر ناگاه به لشکری احتیاج افتد حکم کنند که چندین هزار باید فلان ساعت آن روز یا شب به فلان موضع حاضر آیند لا یستأخرون ساعه و لا یستقدمون یک طرفه العین تقدیم و تأخیر نیفتد» (همان، ج ۱: ۱۳۳). با توجه به این که مغولان از طوایف مختلف بوده‌اند، نظم و انضباط می‌بایست جایگاهی مهم برای ایشان داشته باشد و شاید همین عامل یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایشان در پیروزی برابر خوارزمشاهیان بوده باشد.

۲-۲-۲. مسائل اخلاقی سلبی

در اندیشه جوینی، برخی خصایص اخلاقی و رفتاری مانع سعادت انسان و جامعه می‌شوند. در تاریخ جهانگشا، جوینی این اعمال و رفتار را یارد و سلب کرده و یا این که مخاطب را به سلب این رفتار از وجود خود ترغیب کرده است. در ادامه مسائل تربیتی و اخلاقی نکوهیده در تاریخ جهانگشا بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. مخالفت با ستم‌ورزی

در جامعه‌ای که ظلم و خون‌ریزی بیداد می‌کند، جوینی مخاطبان خود را به دوری از ستم‌ورزی و بیداد ترغیب کرده است. این واکنش جوینی، ظلم‌ستیزی او و مخالفتش با اوضاع زمانه را به خوبی نشان می‌دهد: «در هر سینه‌ای که نهال مخالفت کاشته باشی و از خون دل‌ها بیخ آن را آب داده، از بار آن جز خار ثمار و زخم روزگار چه توقع کنی، و جامی را که به زهر قاتل آکنده کنی شراب بابل [از آن] چه طمع داری، و اعتذار و استغفار بعد از اثارت ثار مرهمی است که بر کشتگان طعان و ضراب نهند و نوش دارو که پس از مرگ به سهراب دهند» (همان، ج ۲: ۵۱۹).

۲-۲-۲. مخالفت با نیرنگ و خدعه

نیرنگ و خدعه از جمله صفات مذمومی است که خصوصاً در مناصب دولتی، یکی از عوامل زوال و ضعف حکومت‌ها به‌شمار می‌رود. جوینی نیز به واسطه حضورش در مناصب دولتی، همواره در معرض اتهام قرار داشته و شاید به همین دلیل، به مذمت این صفت اخلاقی پرداخته است: «پوشیده نماند که عاقبت خداع و قصارای مکیدت که از خبث دخلت و فساد نحلّت متولد باشد مذموم است و قصارای آن شوم» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۰۴).

۲-۲-۳. مخالفت با طمع و آرزومندی

عطا ملک روی خوشی به آرزومندی نشان نداده است. در جایی دلیل تضعیف خوارزمشاه را آرزومندی او بر ملک و مال برمی‌شمارد: «وسوسه شیاطین آمال در ملک و مال، او را از منهج صواب دور انداخت» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۱). «مرد بینا بداند که عاقبت و فرجام دنیا این است، مکاره‌ای است اندر خشم، سیاه‌کاره سپید چشم، مواصلت او سر رشته مفصلت و معاشرت او سرشته با معاسرت، گندم‌نمای جو فروش است، زهری عسل‌نوش، عجوزه‌ای در جلوه حسنائی» (همان: ۴۶۱).

۲-۲-۴. مخالفت با خرافات و خرافه‌پرستی

در دوره مغول که فرهنگ ایرانی دچار آسیب جدی شده بوده، جوینی را باید یکی از نویسندگان روشن فکر و آزاداندیش قلمداد کرد. او به شدت با خرافه‌پرستی مخالف بوده است: «در بلاد ماوراءالنهر و ترکستان بسیار کسان بیشتر عورتینه دعوی پری‌داری کنند و هر کس را که رنجی باشد یا بیمار شود ضیافت کنند و پری‌خوان را بخوانند و رقص‌ها کنند و امثال آن خرافات و آن شیوه را جهال و عوام التزام کنند» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۹۱). به‌طور کلی، چنان‌که مشاهده شد، مسائل اخلاقی مطرح‌شده در تاریخ جهانگشا در دو بُعد فردی و اجتماعی قابل دسته‌بندی است:



مسئله قابل توجه در اینجا این است که مسائل و مبانی اخلاقی مطرح‌شده توسط جوینی در بیشتر موارد -همچون وطن‌دوستی، انسان‌دوستی، مخالفت با ستم‌ورزی و...- درهم تنیده است و هر دو بُعد فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و از آن‌جا که جوینی یک مُصلح اجتماعی است، مسائل اخلاقی در نگاه او بیشتر دارای عموم و خصوص هستند. به بیان دیگر، مسائل اخلاقی که جوینی آن را تأیید یا نپذیرد، از جهتی با حضور تک‌تک افراد صورت

می‌پذیرد و از سوی دیگر، نتیجه نهایی آن در اجتماع وقوع می‌یابد.

۳-۲. شیوه‌های بیان مسائل اخلاقی در تاریخ جهانگشا

۳-۲-۱. استفاده از امثال پارسی و عربی

یکی از مهم‌ترین روش‌های القای مفاهیم اخلاقی در تاریخ جهانگشا، بیان امثال سائر فارسی و عربی است. «درج و تضمین امثله... از مختصات است که در مراحل کمال نثر فنی، به موازات دیگر مختصات لفظی و معنوی، توجه نویسندگان را به خود جلب می‌کند» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۹). جوینی در بیان امثال، بیشتر به نمونه‌های عربی توجه داشته و تعداد امثال پارسی در این کتاب، به مراتب کم‌تر از موارد تازی است. در ادامه نمونه‌هایی از امثال نقل شده در تاریخ جهانگشا ذکر شده است:

– از سگ سیر شکار نیاد و گفته‌اند اجمع کلبک یتبعک (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۲).

– عش رجبا تر عجباً (همان: ۲۱۲).

– یداک او کتا و فوک نفخ (همان: ۳۰۴).

– العاقلُ یکفیه الاشارة (همان، ج ۲: ۳۸۷).

– من طلبَ الکُلَّ فَاتَه الکُلُّ (همان: ۴۴۵).

– إِنَّ الْحَوَادِثَ قَدْ يَطْرُقْنَ أَسْحَاراً (همان: ۵۲۴).

– لِكُلِّ عَمَلٍ رِجَالٌ وَ كُلُّ مِيسِرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ (همان، ج ۳: ۶۵۰).

۳-۲-۲. ذکر داستان‌های تمثیلی با هدف تأیید سخن خویش

یکی از روش‌های جوینی برای بیان مسائل تعلیمی، ذکر داستان‌هایی است که جنبه تمثیل دارند. ذکر این حکایت‌ها و داستان‌ها علاوه بر تأثیر غیرمستقیم و عمیق بر مخاطب، از ملال‌آورشیدن روایات تاریخی نیز جلوگیری می‌کند. جوینی حکایت دشواری شکستن چوب‌های متعدد توسط چنگیز را به شکلی بیان می‌کند که گویی این حکایت – که در متون مختلف ذکر شده – در حقیقت در مورد چنگیز خان اتفاق افتاده است: «[چنگزخان] روزی پسران را جمع کرد و یک تیر از کیش برکشید و آن را بشکست. دو عدد گردانید و آن را هم بشکست. یک یک تیر می‌افزود تا چند عدد شد. از کسر آن زورآزمایان عاجز ماندند» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۰).

یا ذکر این حکایت از زبان چنگیزخان در توصیه به پشتیبانی یکدیگر و ذکر نتیجه تفرقه خطاب به فرزندان: «مثل مار چند سر باشد که شبی سرمای سخت افتاد. خواستند تا در سوراخ خزند و دفع سرما کنند. هر سر که در سوراخ می‌کرد، سر دیگر منازعت می‌نمود تا بدان سبب هلاک گشتند و آنک مار یک سر بود و دنبال بسیار در سوراخ رفت و دنبال و تمامت اعضا و اجزا را جای داد و از صولت برودت خلاص یافتند» (همان).

یا ذکر این حکایت از متوکل عباسی: «آورده‌اند که روزی متوکل یکی را از خواص خود در کار ملاهی و اقبال در مناهی بازخواست می‌فرمود. آن شخص گفت: إِنَّمَا اسْتَعِينُ عَلَى الدَّهْرِ بِالْهَزْلِ لَأَنَّ مَقَاسَاهُ هُمُومِ الدُّنْيَا لَا تَتَأْتِي إِلَّا بِشَيْءٍ مِنَ السُّرُورِ» (همان، ج ۲: ۵۲۲).

۳-۳-۲. نتیجه‌گیری اخلاقی از حوادث تاریخی

در کتاب مورد بحث، به مواردی برمی‌خوریم که جوینی پس از ذکر مسائل تاریخی، به نتیجه‌گیری اخلاقی

می‌پردازد و به این ترتیب، مخاطب را به امری مثبت ترغیب می‌کند یا از امری منفی نهی می‌کند. برای مثال پس از بیان ماجرای کوچلک -یکی از امرای محلی که با مسلمانان دشمنی داشته و در نهایت به دستور چنگیز از میان برداشته می‌شود- به بیان نتیجه‌گیری اخلاقی می‌پردازد: «پوشیده نماندست که هر کس دین احمدی و شرع محمدی را تعرض رسانید هرگز فیروز نگشت و آن کس که تربیت او کرد و اگر چه مقلد آن نیست هر روز کار او در مزید رفعت است و نمو مرتبت، چراغی که ایزد بفرورد هر آن کس پف کند سببت بسوزد» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۹). یا پس از ذکر ارسال رسولان از سوی چنگیز به سوی سلطان محمد خوارزمشاه جهت اعلام جنگ، می‌نویسد: «هر کس بیخ خشک کاشت به اجتنای ثمرتش بهره‌مند نگشت و هر آنک نهال خلاف نشاند به اتفاق میوه ندامت و حسرت برداشت» (همان: ۱۶۹).

۲-۳-۴. ذکر مسائل اخلاقی در کلام صاحبان قدرت

یکی از روش‌های ذکر مسائل تربیتی و اخلاقی در تاریخ جهانگشا ذکر این مسائل از زبان پادشاه و صاحبان قدرت است. در چنین مواردی، فرد سخنگو به دلیل جایگاه مهم اجتماعی قدرت نفوذ بیشتری در ذهن مخاطب می‌یابد و انتقال مفهوم با قدرت بیشتری صورت می‌پذیرد. می‌توان این فرض را مطرح کرد که تمامی این موارد به عینه از زبان امرای مغول بیان نشده و جوینی این سخنان را نقل به مضمون و تقویت کرده است. در ادامه نمونه‌هایی از این روش ذکر می‌شود:

- بخشایش‌گری و قانون‌مندی از زبان قآن: «هر بادریه‌ای که تا به روز جلوس مبارک ما از کسی صادر شده باشد در مقابله آن عفو و اقالت مبذول داشتیم. بعد از این اگر کسی قدم در کاری نهد که نه موافق احکام و یاساهای قدیم و حدیث باشد تعریک و تأدیب آن جماعت فراخور جریمت به تقدیم رسد» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۵۲).

- ذکر توصیه‌های اخلاقی از زبان امرای منکوقاآن: «در کار خصم غفلت و غرور از منهج صواب و عقل دور باشد» (همان، ج ۳: ۶۷۵) و «چون مرد صاحب‌رأی بر دشمن بداندیش فرصت یافت اگر در مجازات آن تأخیری روا دارد از کمال حزم و اندیشه نیک بعید باشد و عاقبت موجب حیرت و ندامت گردد» (همان). و نیز: «نیکی در شریران تأثیر نکند. چون تخم که در زمین شوره پراگند هیچ بر ندهد و به تواتر ابر، اثر نکند و چیزی نرود» (همان).

۲-۳-۵. ذکر صفات مثبت اخلاقی در توصیف پادشاهان و بزرگان

عطاملک به دلایلی همچون ترس از مغولان و غلبه اندیشه جبرگرایانه در نظام فکری او در توصیف پادشاهان و بزرگان مغول از صفاتی استفاده کرده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: چهری و همکاران، ۱۳۹۹) که در بطن خود مسائل اخلاقی همچون بخشندگی، خوش‌مشربی، قانون‌گرایی و خوش اخلاقی را در بر دارند: در توصیف قآن می‌نویسد: «چون پادشاه حاتم‌بذل خسرو معاشرت از استخلاص اقلیم ختای فارغ‌بال با مقر سریر خرامید... رأی عالی و همت بلند او اقتضای آن کرد که باز اولاد و اقارب را بازخواند و یاسا و احکام حدیث و قدیم را با ایشان تقریر کند... و تمامت پسران و لشکرها شریف و وضع از سجال بر و مکرمت او که چون باران ربیع بود بهره‌مند شوند» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۵۸).

یادر جایی دیگر: «آوازه عدل و احسان او اسماع و آذان را گوشوار شد، و ایادی و عوارف او در دست‌ها و سواعد هر یک چون سوار گشت، درگاه او پناه عالمیان، و حضرت او مسکن و مأوای جهانیان آمد، انوار صباح معدلت او

چون بی غبارِ ظلمتِ شام بود عرصه ملک او از اقصای چین و ماچین تا منتهای دیار شام رسید» (همان: ۲۶۲).^(۶)
و در جایی دیگر در مدح منکوقاآن: «آوازه عقل و ذکا و صیت رأی و دهای او در اقطار روان شد... و پیوسته دست او به بذل و احسان مطلق بودی» (همان، ج ۳: ۶۴۱).

۲-۳-۶. استفاده از اشعار تعلیمی پارسی و عربی

جوینی در تاریخ جهانگشا -و به فراخور متن- در تبیین مسائل اخلاقی مورد نظرش از اشعار پارسی و عربی شاعران دیگر استفاده کرده است. از قرن شش به بعد، «در تواریخ و قصص، درج و تضمین شعر فراوان و متنوع بود و به طریق تأیید، تمثیل، تشبیه، توصیف، تنظیر، تطبیق و نظائر آن؛ در رشته کلام جای می گرفت» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۱۳). البته مسلم است که شاهنامه فردوسی بیشترین توجه و استفاده جوینی از گنجینه اشعار پارسی را به خود اختصاص داده است که به دلیل وجود پژوهشی مستوفی در این باب، از ذکر شواهد آن در این مقاله پرهیز می شود (برای اطلاعات بیشتر و مشاهده شواهد متعدد ر.ک: علوی زاده و همکاران، ۱۳۸۹).
در ادامه نمونه هایی از اشعار مذکور ذکر می شود.

نمونه هایی از اشعار پارسی

ای جان اگر از غبار تن پاک شوی	تو روح مقدسی بر افلاک شوی
عرش است نشیمن تو شرم ناید	کآبی و مقیم خطه شاه شوی
بر آب تکیه مکن ورنه بیهده چو حباب	بر آب نقش نگاری و باد پیمایی
هر چه در آینه جوان بیند	پیر در خشت پخته آن بیند

(جوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۶)
(همان: ۴۲۲)
(همان: ۴۲۵)

نمونه هایی از اشعار عربی

و یَعْتَدُهُ قَوْمٌ کَثِیرٌ تَجَارَهُ و یَمْنَعُنِی عَنْ ذَاکَ دِینِی وَ مَنْصَبِی

(و گروه بسیاری آن [حرامزادگی و بی اصلی] را تجارت می پندارند و [حال آن که] مذهب و جایگاه من، مرا از آن باز می دارد [من نژاده هستم]) (همان، ج ۱: ۱۱۴).

و عَیْنُ الرُّضَا عَنْ کُلِّ عَیْبٍ کَلِیلَه و لَکِنْ عَیْنُ السَّخَطِ تُبَدِی الْمَسَاوِیَا

(چشم رضایت [مندی] از تمام عیوب کُند [و ناتوان] است، اما چشم خشم بدی ها را نمایان می سازد) (همان: ۱۱۸).

فَیَا مَوْتَ زُرْ إِنَّ الْحَیْوَۃَ الدُّنْیَا دَمِیمَه و یَا نَفْسُ جُدْیَیْ إِنَّ دَهْرَکَ هَازِلٌ

(ای مرگ! مرا درباب [چراکه] زندگی دنیا نکوهیده است و ای نفس! بکوش [چراکه] روزگار تو مسخره است) (همان، ج ۲: ۴۶۰).

یَا رَاقِدَ اللَّیْلِ مَسْرُوراً بِأَوَّلِهِ و إِنَّ الْحَوَادِثَ قَدْ یَطْرُقْنَ أَسْحَارَا

(ای که شبانگاه آرامیده ای، درحالی که به ابتدای آن شادمانی؛ هرآینه [گاهی] حوادث سحرگاهان وارد می شود) (همان: ۴۹۷).

۲-۳-۷. استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی

یکی از مهم ترین روش های جوینی برای تبیین مسائل اخلاقی و تربیتی، استفاده از قرآن و احادیث نبوی است.

استفاده گسترده از آیات و احادیث نبوی در متون منثور، تقریباً پیشینه‌ای یکصدساله تا تاریخ جهانگشا داشته است: «از آغاز قرن ششم اقتباس از آیات و احادیث، در اقسام مختلف نشر راه یافت. بعضی از نویسندگان، به حدی در این زمینه به مبالغه و افراط گراییدند که گاه معانی و عبارات فارسی، تنها برای پیوستن ترکیبات عربی به رشته کلام، ابداع می‌شد» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). تقریباً تمامی آیات قرآنی که در تاریخ جهانگشا به کار رفته‌اند، جنبه تعلیمی دارند:

– فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (سوره ۹۹، آیه ۸۵) (ج ۳: ۷۴۰) (پس به خوبی (از متاع دنیوی) صرف نظر کن!).

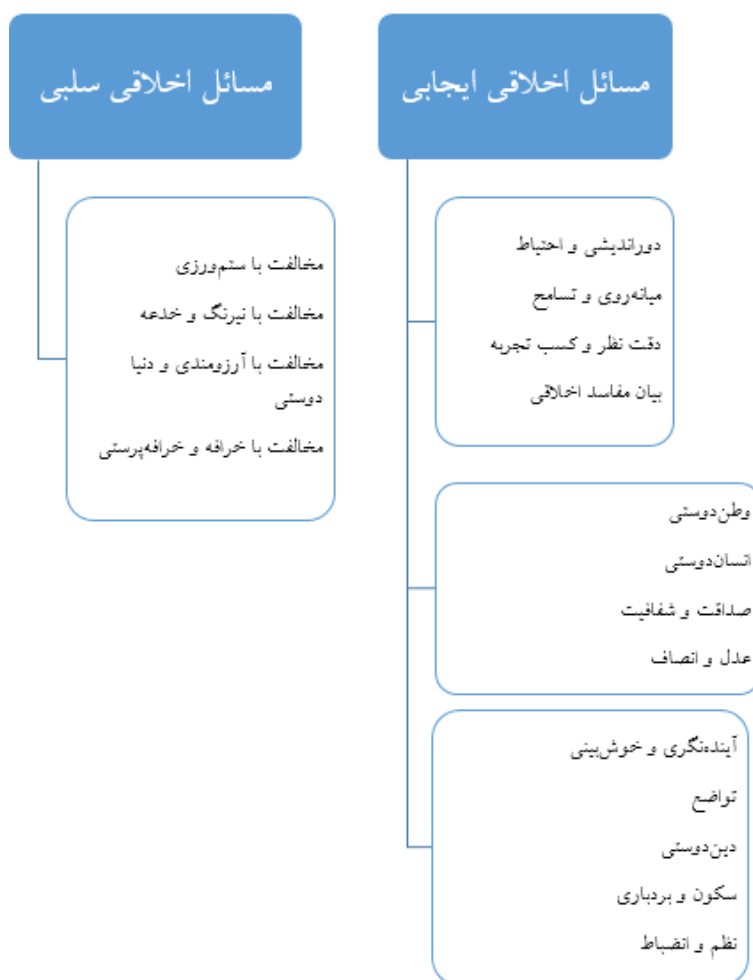
– فَتِلْكَ بِبُوتِهِمْ خَاوِيَةً (سوره ۹۳، آیه ۵۲) (ج ۳: ۷۴۵). (پس این خانه‌های خالی ایشان است (بیدادگران مُرده‌اند و خانه‌هایشان از ایشان خالی مانده است!))^(۷)

احادیث نبوی نیز کارکردی مهم در القای مفاهیم اخلاقی و تعلیمی تاریخ جهانگشا دارند و دوشادوش آیات قرآنی در این متن به کار رفته‌اند. در ادامه جهت عدم تطویل سخن، نمونه‌های اندکی از احادیث تعلیمی پُرشمار نقل شده در این کتاب، ذکر می‌شود:

– حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئاً إِلَّا وَ يَضَعُهُ (حقّی است بر خدا که چیزی را رفعت نبخشد مگر اینکه [پس از رفعت] آن را پست و ناچیز گرداند) (ج ۳: ۷۴۳).

– أَلَوْلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ (فرزند از برای پاکدامنان [که ازدواج می‌کنند] است و سنگ [سنگسار] از برای فاسقان) (همان: ۸۱۶).

می‌توان مسائل اخلاقی مطرح شده در تاریخ جهانگشا را به صورت خلاصه در نمودار ذیل مشاهده کرد:



۳. نتیجه

تاریخ جهانگشا علاوه بر جنبه‌های تاریخی، از نظر ادبی نیز بسیار ارزشمند است. شواهد متنی متعدد به کاررفته در تاریخ جهانگشا نشان‌دهنده این مسأله است که می‌توان این کتاب تاریخی را در زمره آثار ادب تعلیمی قرار داد. مسائل اخلاقی در این کتاب به دو شکل نمود یافته است: مسائل اخلاقی ایجابی و مسائل اخلاقی سلبی. در اندیشه عظاملك جوینی مسائل اخلاقی ایجابی پراهمیت‌تر از مسائل اخلاقی سلبی هستند و این نشان‌دهنده اهمیت عمل‌گرایی و لزوم ترویج مسائل اخلاقی مثبت در اندیشه اوست. به این ترتیب، می‌توان جوینی را یک ترغیب‌کننده به نیکی‌ها دانست تا یک پرهیزاننده از بدی‌ها. از آن‌جا که جوینی در مقام یک مُصلح اجتماعی افراد را به برخی مسائل اخلاقی ترغیب و از برخی مسائل نهی کرده، مبانی و مسائل اخلاقی مطرح شده توسط او، اغلب از جهت فردی یا اجتماعی بودن، در یکدیگر تنیده‌اند.

جوینی با روش‌های گوناگون و خاصی مسائل اخلاقی را بیان کرده است. این مسئله را از سویی می‌توان به هنر نویسندگی جوینی مرتبط دانست و از سوی دیگر به نظر می‌رسد این امر ناشی از لزوم جذابیت متن در اندیشه جوینی و نیز تلاش او برای جلوگیری از ملالت خواننده از دریافت مسائل اخلاقی متعدد باشد. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: ذکر داستان‌های مثل‌گونه در میان حوادث تاریخی، نتیجه‌گیری اخلاقی پس از ذکر حوادث تاریخی، استفاده از آیات قرآن و استفاده از اشعار.

یادداشت‌ها

(۱) البته زرین کوب تعریفی متفاوت از نقد اخلاقی ارائه داده است. او معتقد است که یکی از جنبه‌های مهم در این شیوه نقد، بررسی تأثیرگذاری متن بر مخاطب است. در نقد اخلاقی «مقصود این است که اثر تا چه اندازه شور و هیجان هنری نویسنده یا شاعر را القا می‌کند و به عبارت دیگر، مراد از نیک و بد شعر و نثر آن است که آن شعر یا نثر آیا زیبا و مطبوع و مؤثر است یا فاقد این اوصاف و نعوت می‌باشد» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۳۸).

(۲) دیگر اثر جوینی *تسلیه‌الانحوان* نام دارد که جوینی در آن شرح مصائب خود را نگاشته و از این جهت به اثر هم‌عصرش یعنی *نفته‌المصدر* شبیه است. این کتاب در سال ۱۳۶۲ ه. ش توسط دکتر عباس ماهیار تصحیح شده و به همت انتشارات آباء به طبع رسیده است. (۳) البته در اندک مواردی مخالفت‌هایی با این اعتقاد صورت گرفته است. برای نمونه نظامی با رد تأثیر افلاک و روزگار در سعادت و شقاوت انسان‌ها، می‌گوید:

گر ستاره سعادت دادی کعبه‌داد از منجمی زادی

(نظامی گنجوی، ۱۳۱۴: ۴)

(۴) باید توجه داشت که جوینی این عبارات را در ذم یک شخصیت مشهور به نام شرف‌الدین خوارزمی - که در حمله به نواحی مختلف ایران در خدمت مغولان بوده - به کار برده است. از آن‌جا که دین اسلام بر چشم‌پوشی بر معایب اخلاقی تأکید کرده - جوینی نیز فردی دین‌مدار بوده - به نظر می‌رسد این حکم جوینی در باب افراد مشهور که رفتار و اخلاق ایشان در جامعه نمود دارد، صادر شده است. (۵) برای کسب اطلاعات بیشتر ر. ک: علوی زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۷-۱۰۸.

(۶) در باب اخلاق پادشاهی، به نظر می‌رسد در اندیشه عظاملك بخشندگی و عدالت مهم‌ترین صفات و خصال هستند. او در مجلد اول *تاریخ جهانگشا* - و پس از ذکر مرگ قآن، حکایات متعددی از این پادشاه نقل کرده است که در ضمن آن‌ها نکات اخلاقی پُرشماری ذکر شده است و در تمامی آن‌ها از عدالت و بخشندگی قآن سخن رفته است (برای اطلاعات بیشتر ر. ک: جوینی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۲۶۲-۲۹۲). همچنین در مجلد سوم موارد مثبت اخلاقی-اجتماعی متعددی در مورد او کتفاً ذکر شده است (برای اطلاعات بیشتر همان: ج ۳: ۲۹۲).

۶۹۱-۷۰۱).

(۷) برای اطلاعات بیشتر در باب استفاده جوینی از آیات قرآنی ر.ک: سلیمانی، ۱۳۹۲.

منابع

قرآن کریم.

اقبال اشتیانی، عباس (۱۳۶۴)، *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر.

بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، *سیک شناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.

بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۳)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی.

جوینی، عطاملک علاءالدین بن بهاءالدین (۱۳۸۷)، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: هرمس.

چهری، طاهره؛ غلامرضا سالمیان و روح الله بهرامی (۱۳۹۹)، «تبیین گفتمان متناقض جوینی مبتنی بر رد و قبول مغول در جلد اول تاریخ جهانگشا بر اساس نشانه‌های (واژگان، صور خیال، عبارات، جملات و اشعار) گفتمان‌مدار»، *جستارهای تاریخی*، دوره ۱۱، شماره ۱: ۴۰-۱.

خطیبی، حسین (۱۳۹۰)، *فن نثر در ادب پارسی*، تهران: زوار.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۶۷)، *هجوم اردوی مغول به ایران*، تهران: علم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۰)، *انواع نثر فارسی*، تهران: سمت.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، *دفتر ایام*، تهران: علمی.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، *نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر.

سلماسی زاده، محمد (۱۳۷۹)، «همای اقبال یا صدای ادبار»، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

سلیمانی، زهرا (۱۳۹۲)، «بازتاب آموزه‌های تعلیمی امثال قرآنی در تاریخ جهانگشای جوینی»، *فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۷: ۸۵-۱۰۰.

شرقی، محبوبه (۱۳۹۲)، «بازتاب اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری عصر ایلخانی (با تأکید بر تاریخ جهانگشا و تاریخ و صاف)»، *نشریه جستارهای تاریخی*، سال ۴، شماره ۲ (پیاپی ۸): ۹۱-۶۹.

صادقی مریم (۱۳۹۵)، «بررسی دیدگاه‌های سیاسی - دینی در تاریخ جهانگشا»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۱۳ (۵۱): ۳۳-۶۰.

صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس.

علوی زاده، فرزانه؛ سلمان ساکت و عبدالله رادمرد (۱۳۸۹)، «نقش ابیات شاهنامه در انسجام متنی تاریخ جهانگشا»، *فصل‌نامه جستارهای ادبی*، شماره ۱۷۱: ۱۰۸-۶۷.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۵۸)، *مسائل عصر ایلخانان*، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

مشرف، مریم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: سخن.

نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۳)، *معراج السعاده*، تهران: پیام مقدس.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۱)، *اخلاق ناصری*، تهران: علمیه اسلامی.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۱۴)، *هفت پیکر*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: ارمغان.

References

The Holy Quran (In Arabic).

Alavizadeh, F., Saket, S., & Radmard, A. (2010). The Role of Shahnameh's Verses in Textual Coherence of Tarikh-e Jahangosha. *New Literary Studies*, 43 (4), 67-108 (In Persian).

- Bahar, M. T. (1970). Stylistics (sabksenasi). Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Bayhaqi, A. M. I. H. (2004). History of Bayhaqi. Edited by Dr. Ali Akbar Fayaz. Third edition. Mashad: Ferdowsi university publication.
- Chehri, T., Salemian, G., & Bahrami, R. (2020). The Dual Discourse on Mogul Rejection and Acceptance in the First Volume of Tarikh Jahangosha. *Historical Studies*, 11 (1), 1-40 (In Persian).
- Dastqeyb, A. (1978). Hojum-e ordu-ye moqul be iran. Tehran: Elm (In Persian).
- Dehkhoda, A. (1960). Loqat name. Edited by Moein, Mohamad. Teharn: university of Tehran publications (In Persian).
- Eqbal Astiani, A. (1995). Tarikh-E- Moqul. Tehran: Amirkabir (In Persian).
- Juvayni, A. (2008). Tārikh- 'i-Jahāngushā. Edited by Mohammad Qazvini. Tehran: Hermes (In Persian).
- Khatibi, Hossain (2010). Fan-ne-nasr dar adab-e parsi. Tehran: zovvar (In Persian).
- Naraqi, Ahmad (2014/1393sh) Me'raj-os-sa'ada. Tehran: Payam-e moqaddas.
- Nizami Ganjavi, E. I. Y. (1936). Haft peykar. Edited by vahid dastgerdi. Tehran: Armaqan (In Persian).
- Rastegar Fasaee, M. (2011). Anav-e Nasr-e Farsi. Tehran: Samt (In Persian).
- Razmju, H. (1994). Anva-e adabi va asar-e an dar zaban-e Farsi. Masad: AQR publications (In Persian).
- Sadeqi, M. (2016) "Study of Political-Religious Views in Tarikh-i Jahangushay-i Juwayni". *LIRE* 13 (51): 33-60 (In Persian).
- Safa, Z. O. (1990). Tarikh-e adabiyat dar iran. Tehran: Ferdows (In Persian).
- Soleymani, Z. (2013). The reflection of precepts of Quranian Proverbs Jahangosha-e Joveiny History. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 5(17), 85-100 (In Persian).
- Sharafi, M. (2014). Reflection of the Belief in Divine Will in Historiography of Ilkhanid Period: With an emphasis on Jahāngushāy and Wassāf History. *Historical Studies*, 4 (2), 69-91 (In Persian).
- Zarinkub, A. (1995). Daftar- e Ayyam. Tehran: Elmi (In Persian).
- Zarinkub, A. (2003). Naqd-e adabi. Tehran: Amirkabir (In Persian).